

Examining the functional levels of non-verbal communication "body language" in the book Thālāsah al-Araīs and Lezhah al-Nafais
Shekofeh Bagheri¹, Shabnam Hatampour^{2*} (author), Farzane Sorkhi³,
Faraydoun Tahmasebi⁴

Abstract

One of the common aspects of stories and narratives is the quantity and quality of relationships between the characters in the story, which is revealed in both verbal and non-verbal ways; But the amount of using these two types of communication and how to combine them in the narrative changes according to the goals of the author and the type of audience. The manuscript of Thālāsah al-Araīs and Lezhah al-Nafais, by Haji Ali-Ben-Haji Allahwardi Kashisaze Mashhadi, is one of the unknown writers of the Safavi era in the twelfth century of the lunar calendar. This work is an important and valuable book in the field of fiction and novel, which was written by the author himself. The subject of the book is legend and anecdotes, which the author has provided by editing, modifying, distorting and changing famous historical events, and using the poems of Ferdowsi and other poets such as Saadi, Hafez, and Rumi and various proverbs, the epic and literary spirit. It is blown into it. In this research, the author aims to investigate and analyze the elements of non-verbal communication and its effect on the story elements of Thālāsah al-Araīs and Lezhah al-Nafais using a descriptive-analytical method and a library tool. The results of the research show that the author has used special non-verbal relations of the same situation according to the time and place of the people, and among the non-verbal communication processes, he has used the

¹ -Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran:
shekoofebagherimis@gmail.com

² -Assistant Professor of Persian Language and Literature Department, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran:
Shabnam.Hatampour@iau.ac.ir

³ -Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran:
sorkhifarzane@gmail.com

⁴ -Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran:
drftahmasbi@yahoo.com

movements and gestures specific to the face, hands, feet and eyes, so that the role They have been important in the process of conveying concepts and messages.

Key words: fictional literature, non-verbal communication, body language, Haji Ali-Ben-Haji Allahwardi Kashisaze Mashhadi, Thālāsaht al-Araīs and Lezhah al-Nafais.

Sources and references

Book

۱- Azarbaijani, Masoud; Salari Far, Mohammad Reza, Abbasi, Akbar and others (۲۰۰۷), *Social Psychology with an Approach to Islamic Sources*, Tehran: Organization for the Study and Compilation of Humanities Books of Universities.

۲- Piz, Alen (۲۰۲۲), *Body Language*, translated by Kambiz Hadipour, Tehran: Sama.

۳- Hessamzadeh, Mansour Homayoun (۲۰۱۲), *Body Language*, Tehran: Pournak.

۴- Deraiati, Mustafa (۲۰۰۸) *List of Iranian Manuscripts (Fakhna)*, Tehran: Publication of the Library and Documents Organization of the Islamic Republic of Iran.

۵- Dekhoda, Ali Akbar, (۱۹۹۵), *Dictionary*, Volume ۱۲, Tehran: University of Tehran.

۶- Richmond, Virginia and McCroskey, James C. (۲۰۰۸), *non-verbal behaviors in interpersonal relationships (textbook of non-verbal communication)*, translated by Fatemeh Sadat Mousavi and Zilla Abdullahpour, second edition, under the supervision of Gholamreza, Tehran: Danje.

۷- Farhangi, Ali Akbar (۱۹۹۵), *Basics of Human Communication*, Tehran: Timer.

۸- Allahwardi Kashisaze Mashhadi, Haji Ali-Ben-Haji (۱۷-۷۷) *Thalasaht al-Arais wa Lezhah al-Nafais*, Mashhad: Astan Quds Razavi, No. ۱۶۶۴۲. Date of publication: ۱۱۲۶ A.H.

۹- Mohsenian Rad, Mehdi (۱۹۷۵), *Communication Studies*, Tehran: Soroush.

۱۰- Wood, Juliati (۲۰۰۴), *interpersonal communication (psychology of social interaction)*; Translated by Mehrdad Firouzbakht, Ch۲, Tehran: Shahre Ketab and Mahtab.

Article

١- Jalali, Maryam and Sadeghi, Masoumeh, (١٩٧٥), "Levels of women's speech in Garshaseb Nameh based on Searle's theory", *Journal of Literary and Rhetorical Research*, Volume ٢, Vol. ٤, pp ٢٠-٣١.

٢- Razi, Ahmad and Somaia Hajati (٢٠١٣), "Deciphering non-verbal behaviors in the story Kiss the Lord on the Moon", *Researches of Mystical Literature (Gohar Goya)*, Vol. ٥, pp. ٦٥-٨٧.

٣- _____ (٢٠١٨), "Analysis of signs of non-verbal communication in the story of two friends", *Children's Literature Studies*, vol. ٣, pp. ١١٤-٩١.

٤- Saedi, Salma; Motamedi, Massoud; Jamali, Shahrouz (٢٠٢٢), "Looking at allegory and symbol in the two stories of Entre whose Loti was dead" by Sadegh Chobak and "My father's fence and dogs" by Shirzad Hassan, *The Journal of Comparative Literature (Persian-English)*, No. ١٧, pp. ١-٢٤.

٥- Ghanbari, Dawood, (٢٠٢٣), "Structural and discourse analysis of the introductions in Najmoddin Zarkoub's fotovatname on Halliday's theory", *The Journal of Comparative Literature (Persian-English)*, vol. ٢١, pp. ١-٢٤.

٦- Karami, Mohammad Hossein and Zare, Maitham, (٢٠١٨), "Lyric Themes in Shirazi's Common Quatrains", *Persian Language and Literature Magazine*, vol. ٢١, pp. ٢١٣-٢٣٣.

٧- Mahmoudi, Alireza and Gholamreza Abdi (٢٠١٥), "Non-verbal communication in Golestan Saadi", *Persian language and literature*, vol. ٢٣٤, pp. ١٣٣-١٥١.

٨- Mousazadeh, Taherah et al. (٢٠٢٤), "Examining the functional levels of non-verbal communication of "body language" in Shirazi's traditional ghazaliat", *The Journal of Comparative Literature (Persian-English)*, Vol. ٢٣, pp. ٥٥-٨٤.

Thesis

١- Raofi, Farah (٢٠١٢), "*Non-verbal communication in Ferdowsi's Shahnameh with an emphasis on the story of Rostam and Esfandiar and the story of Siavash*", Master's thesis, supervisor Dr. Yadullah Shokri, Semnan University.

٢- Rezaei, Iraj (٢٠١٦), "*Non-verbal communication in the spiritual Masnavi*", *Literary Researches*, Vol. ١٦, pp. ١١٥-١٣٦.

فصل‌نامه علمی جستارنامه ادبیات تطبیقی

دوره هشتم، شماره بیست و هشتم، تابستان ۱۴۰۳

بررسی سطوح کارکردی ارتباطات غیرکلامی «زبان بدن» با تکیه بر کتاب *ثلاثه العرایس*

و *لذة النفایس*

شکوفه باقری^۵، شبنم حاتم‌پور^{۶*}، فرزانه سرخی^۷، فریدون طهماسبی^۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶

(صص ۲۲۰-۲۵۱)

چکیده

یکی از جنبه‌های مشترک داستان‌ها و روایات، کمیت و کیفیت روابط میان شخصیت‌های داستان است که به دو شیوه کلامی و غیرکلامی آشکار می‌شود؛ اما میزان بهره بردن از این دو نوع ارتباط و چگونگی ترکیب آن‌ها در روایت، با توجه به اهداف نویسنده و نوع مخاطب تغییر می‌کند. نسخه خطی «ثلاثه العرایس و لذة النفایس»، اثر حاجی علی‌بن حاجی الله‌وردی کاشی‌ساز مشهدی، یکی از نویسندگان گمنام عصر صفوی در قرن دوازدهم هجری قمری است. این اثر، کتابی مهم و ارزشمند در زمینه داستان‌نویسی و رمان است که با قلم توانمند خود نویسنده به کتابت و نگارش درآمده است. موضوع کتاب، افسانه و حکایاتی است که مؤلف، آن را از جرح و تعدیل و تحریف و تغییر وقایع معروف تاریخی، فراهم آورده و با سود جستن از اشعار فردوسی و دیگر شاعرانی همچون: سعدی، حافظ و مولانا و ضرب‌المثل‌های گوناگون، روح حماسی و ادبی در آن دمیده است.

^۵ - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.:

shekoofebagherimis@gmail.com

^۶ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران - (نویسنده مسئول):

Shabnam.Hatampour@iau.ac.ir

^۷ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران:

sorkhifarzane@gmail.com

^۸ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران:

drftahmasbi@yahoo.com

نویسنده در این پژوهش درصدد آن است تا به شیوه توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای عناصر ارتباطات غیرکلامی و تأثیر آن بر عناصر داستانی «ثَلَاثَةُ الْعَرَائِسِ وَ لَذَّةُ النَّفَائِسِ» بررسی و تحلیل کند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که نویسنده با توجه به زمان و مکان قرارگرفتن افراد از روابط غیرکلامی خاص، همان شرایط استفاده کرده و در میان فرآیندهای ارتباطات غیرکلامی، از حرکات و اشارات مختص چهره، دست و پا و چشم، بیشتر استفاده نموده است به گونه‌ای که نقش به‌سزایی در جریان انتقال مفاهیم و پیام‌ها داشته‌اند.

واژگان کلیدی: ادبیات داستانی، ارتباط غیرکلامی، زبان بدن، حاجی علی بن حاجی الله‌وردی کاشی‌ساز مشهدی، ثَلَاثَةُ الْعَرَائِسِ وَ لَذَّةُ النَّفَائِسِ.

۱-مقدمه

جامعه‌شناسی غیرکلامی در پایان قرن بیستم رواج یافت. علاقه‌مندان به این نوع از جامعه‌شناسی جدید، از تماشای حرکات انسان‌ها لذت می‌بردند؛ آنان اشخاص را در محل کار یا اساساً هرجایی که مردم در تعامل با یکدیگر هستند، مورد مشاهده قرار می‌دهند. «زیرا می‌خواهند با آموختن در مورد رفتار و کردار هم‌نوعان خود، گامی در جهت شناخت بهتر خویش بردارند و بدین ترتیب روابط خود را با دیگران بهبود بخشند» (پیز، ۱۴۰۲: ۱). جنبه‌های غیرکلامی ارتباطات از دهه ۱۹۶۰ میلادی مورد مطالعه قرار گرفت و در سال ۱۹۷۰ میلادی جولوس فست، کتابی در مورد زبان حرکات منتشر ساخت. این اثر خلاصه پژوهش‌های دانشمندان رفتارگرا در مورد ارتباطات غیرکلامی تا آن زمان است. «حتی امروزه نیز بیشتر مردم هنوز نسبت به وجود زبان بدن بی‌اعتنا هستند، چه برسد به اهمیت آن در زندگی‌شان» (همان: ۵)

دنیای غیرکلامی یکی از بخش‌های مهم ارتباطات فردی است. برخی محققان حدس می‌زنند که ۶۵ تا ۹۳ درصد انتقال پیام‌ها و معانی در جریان ارتباطات از طریق رفتارهای غیرکلامی صورت می‌گیرد. «حتی این ارقام اگر کمی زیادتر از حد واقعی هم باشد؛ باز هم نمی‌توان تأثیر ارتباط غیرکلامی را بر اتفاقاتی که بین انسان‌های در حال ارتباط می‌افتد، انکار کرد» (وود، ۱۳۸۴: ۲۷۴). در ادبیات، ارتباط کلامی و غیرکلامی بر روی هم قابل

انطباق هستند و همراه با هم ارائه می‌شوند. رفتارشناسی از رهگذر ارتباطات غیرکلامی در ادبیات و خصوصاً ادبیات داستانی، نمود فراوانی دارد به‌گونه‌ای که بررسی و تحلیل این نشانه‌ها؛ ما را در شناسایی فرهنگ و روابط فردی، یاری می‌رساند و در داستان‌ها نیز ضرورت رفتارشناسی، کنش‌های غیرکلامی بیشتر آشکار می‌شود. «در واقع، نشانه‌های موجود در ارتباطات غیرکلامی و نمادهای موجود در آن، احساس حضور ملموس معنا را زنده کرده و به معنا جنبه عینی و محسوس می‌دهد» (ساعدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۴).

بهره‌گیری از ارتباطات غیرکلامی در کنار ارتباطات زبانی و گفتاری، همواره نزد شاعران و ادیبان بزرگ، شناخته شده بوده است؛ زیرا ارتباطات کلامی و غیرکلامی برای یک هدف مورد استفاده قرار می‌گیرند. و مطمئناً یکی از این دو بدون دیگری نمی‌تواند تأثیر مناسب و مؤثری داشته باشد؛ بنابراین گفتار با رفتار غیرکلامی همراه است به‌طوری که رفتار غیرکلامی تعبیرهای معنایی جمله را مشخص می‌کند. اگر گفتار با رفتار غیرکلامی مناسب، همراه نباشد، ایجاد ارتباط به دلیل عدم ارائه اطلاعات لازم به گیرنده دچار مشکل می‌شود. روایت داستان‌ها به وسیله کلام و رفتار شکل می‌گیرد. داستان‌ها با روابط کلامی و غیرکلامی به نمایش گذاشته می‌شوند. در داستان‌های منثور و منظوم ما به ارتباطات غیرکلامی توجه شده است از جمله در داستان‌های شاهنامه فردوسی. در زمینه ارتباطات غیرکلامی در مثنوی معنوی، کلیله و دمنه و چند داستان منثور معاصر پژوهش‌هایی ارائه گردیده است؛ بنابراین، ارتباط غیرکلامی، موضوعی است که به‌عنوان یک مبحث پژوهشی در کتاب «ثَلَاثَةُ الْعَرَايسِ وَ لَذَّةُ النَّفَايسِ»، ساده می‌نماید؛ اما اگر قلمروی زوایا و خفایای آن، مورد بررسی و به‌ویژه به ابعاد غیرکلامی از ذره بین تحقیق، نگاه شود، مصداق «سخن در صنعت شدن و اندازه ادراک و اختراع» می‌گردد» (کریمی و زارع، ۱۳۹۸: ۴۳).

۱-۱- بیان مسئله

ارتباط به معنی انتقال اطلاعات از یک فرد به فرد دیگر است که به‌صورت کلامی و غیرکلامی است. ارتباط کلامی در قالب زبان و کلمات انجام می‌شود. در حالی که ارتباط غیرکلامی، این‌گونه نیست. اگرچه مردم عادی، ارتباط را کلامی تلقی می‌کنند؛ اما پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بیشترین ارتباط با دیگران، از طریق ارتباط غیرکلامی صورت می‌گیرد که شامل: حرکات بدن، لحن صدا، تماس چشمی و اشاره‌ها است. گاهی سکوت اختیار

کردن، نوع پوشش هم جزو ارتباط غیرکلامی به‌شمار می‌رود. لغات و واژه‌ها، ابزار مناسبی برای انتقال اطلاعات واقعی هستند. برای بیان هیجان‌ها در کنار واژه‌ها از حرکات بدن یا زبان تن هم استفاده می‌کنیم با این حال، در حوزه هیجان‌ها، برتری با زبان تن است. استفاده از ارتباطات غیرکلامی در کنار ارتباط زبانی و گفتاری، همواره نزد شاعران و نویسندگان، مرسوم بوده است؛ زیرا ارتباط‌های کلامی و غیرکلامی برای یک هدف مورد استفاده قرار می‌گیرند و مطمئناً یکی از این دو بدون دیگری نمی‌تواند تأثیر مناسب و مؤثری داشته باشد؛ بنابراین گفتار با رفتار غیرکلامی همراه است به‌طوری که رفتار غیرکلامی تعبیرهای معنایی جمله را مشخص می‌کند. اگر گفتار با رفتار غیرکلامی مناسب، همراه نباشد، ایجاد ارتباط به دلیل عدم ارائه اطلاعات لازم به گیرنده، دچار مشکل می‌شود. روایت داستان‌ها به وسیله کلام و رفتار شکل می‌گیرد. داستان‌ها با روابط کلامی و غیرکلامی به نمایش گذاشته می‌شوند. در داستان‌های منثور و منظوم ما به ارتباط‌های غیرکلامی توجه شده است. «امروزه علم زبان‌شناسی و نظریه‌های متن‌شناختی و معناشناسیک آن راهکارهای مناسبی جهت تحلیل گفتمان متون و کشف ناگفته‌های اندیشگانی و معرفتی مستتر در بافت متن را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد» (قنبری، ۱۴۰۱: ۸).

حاجی علی‌بن حاجی الله‌وردی کاشی‌ساز مشهدی یکی از نویسندگان عصر صفوی است که در کتاب «ثَلَاثَةُ الْعَرَايسِ وَ لَدَّةُ الْفَافِيسِ» در بیان حکایات و داستان‌ها از زبان غیرکلامی بهره برده است. این کتاب در زمینه داستان‌نویسی و رمان است که خود نویسنده آن را به کتابت و نگارش درآورده است. موضوع این کتاب، افسانه و حکایاتی است که نویسنده، آن را از وقایع تاریخی گذشته، فراهم آورده و با استفاده از اشعار فردوسی، سعدی، حافظ و مولانا و ضرب‌المثل‌های گوناگون، روح حماسی و ادبی در آن دمیده است. شخصیت اصلی داستان، نوشاد برادرزاده شاپور شاه است که با دلاوری‌های خارق‌العاده‌ای، تمام دشمنانش را از پای درمی‌آورد. از شخصیت‌های مهم داستان، کیامرذ، کياهور، ارنواز، رشنواز، بابا و ارقمش هستند. در این تحقیق با توجه به هنر نویسنده در داستان‌سرایی و شخصیت‌پردازی و توصیف حالت‌های گوناگون، برآنیم که ارتباط‌های غیرکلامی را در این داستان بررسی کنیم.

۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

با همه کوشش‌هایی که تاکنون برای شناسایی و احیای نسخه‌های خطی و تحقیق و تتبع در آن‌ها انجام گرفته، هنوز هزاران کتاب و رساله ارزشمند از دوره‌های مختلف در داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. نسخه خطی «ثَلَاثَةُ الْعَرَايسِ وَ لَذَّةُ النَّفَائِسِ» از حاجی علی بن حاجی الله وردی کاشی‌ساز مشهدی، از جمله متونی است که هنوز به صورت نسخه خطی باقی مانده است و به دور از دسترس پژوهشگران و ادب دوستان قرار دارد، تصحیح این نسخه، چاپ آن و معرفی نویسنده و نسخه‌های خطی وی و همچنین بررسی سطوح کارکردی ارتباطات غیرکلامی «زبان بدن» در این داستان از ضرورت‌های پژوهش است.

۱-۳- پیشینه تحقیق

موضوع و محتوای نسخه خطی ثَلَاثَةُ الْعَرَايسِ وَ لَذَّةُ النَّفَائِسِ، در زمینه رمان و داستان است که تاکنون تصحیح نشده و هیچ‌گونه پژوهش و تحقیقی در رابطه با آن صورت نگرفته است. نویسنده در رساله دکتری خود، برای اولین بار، درصدد تصحیح این نسخه برآمده است. در فهرستگان نسخه‌های خطی (فخنا) به‌طور خیلی خلاصه از این نسخه خطی و مؤلف آن ذکر شده است. (ن.ک. درایتی، ۱۳۸۸: ۵۰۳) از جمله پژوهش‌هایی که در رابطه با ارتباطات غیرکلامی، صورت گرفته می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ایرج رضایی (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای با عنوان «ارتباط‌های غیرکلامی در مثنوی معنوی»، به این نکته اشاره کرده است که مولانا در بسیاری از داستان‌ها از نوع ارتباط دیگری هم به‌خوبی بهره برده است که در علوم ارتباطات و جامعه‌شناسی امروز از آن به «ارتباطات غیرکلامی» تعبیر می‌کنند.

- احمد رضی و سمیه حاجتی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «رمزگشایی از رفتارهای غیرکلامی در داستان روی ماه خداوند را ببوس»، به این نتیجه رسیده است که ارتباطات غیرکلامی در پیشبرد روایت این داستان، بیشتر نقش مکمل ارتباطات کلامی را ایفا می‌کند

و در شخصیت‌پردازی سهم به‌سزایی داشته و موجب افزایش ظرفیت نمایشی داستان شده است.

-احمد رضی و سمیه حاجتی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نشانه‌های ارتباط غیرکلامی در داستان دو دوست» به این نتیجه رسیده است که این داستان جزء ادبیات فانتاستیک واقعی است و تخیل در ساختار آن اهمیت بسیاری دارد. در این داستان از میان ارتباطات غیرکلامی، بیش‌تر زیبایی‌شناسی تصاویر و رفتارهای حرکتی در جریان انتقال پیام نقش دارند و رفتارهای آوایی و رفتارهای چهره نقش کمتری ایفا می‌کنند.

-فرح رئوفی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «ارتباط‌های غیرکلامی در شاهنامه فردوسی با تأکید بر داستان رستم و اسفندیار و داستان سیاوش»، با بهره‌گیری از نظریه‌های علوم اجتماعی و روان‌شناسی و با نگاهی میان‌رشته‌ای، ابتدا منظور از ارتباط، اصول ارتباطات غیرکلامی، ویژگی‌ها، شیوه‌ها، شباهت و تفاوت‌های آن با ارتباط کلامی بررسی و همچنین چگونگی استفاده فردوسی از این ابزارهای ارتباط غیرکلامی در دو داستان سیاوش و رستم و اسفندیار بیان کرده است.

-علیرضا محمودی و غلامرضا عبدی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «ارتباطات غیرکلامی در گلستان سعدی»، تلاش نموده است تا انواع ارتباطات غیرکلامی در گلستان سعدی را مشخص نماید و ارتباطات غیرکلامی در این کتاب را در هفت مبحث: زبان بدن و رفتار، چهره (گریه، خنده، نگاه، عصبانیت، زیبایی)، صداها، نمادها و نشانه‌ها، طعم‌ها، عطر و بو و پیام‌های نوشتاری طبقه‌بندی و تحلیل کرده است. نتیجه این پژوهش بیانگر آن است که کاربرد آگاهانه این روش در جهت انتقال پیام‌های اخلاقی و تربیتی در گلستان سعدی دارد.

-طاهره موسی‌زاده و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سطوح کارکردی ارتباطات غیرکلامی «زبان بدن» در غزلیات عرفی شیرازی»، به این نتیجه رسیده است که زبان بدن در ارتباط غیرکلامی غزلیات عرفی شیرازی کاملاً عامدانه و در راستای جلب معشوق و جذب مخاطب و نیز بازاندیشی در الگوهای رفتاری فرد و اجتماع و با هدف کنایه‌سازی و نمادپردازی بوده است.

۱-۴- روش تحقیق

در این پژوهش نویسنده به روش اسنادی و کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی- تحلیلی به بررسی عناصر ارتباطات غیرکلامی و تأثیر آن بر عناصر داستانی «ثَلَاثَةُ الْعَرَايسِ وَ لَدَةُ النَّفَيسِ» پرداخته است.

۲- چارچوب نظری تحقیق

۲-۱- معرفی نسخه خطی ثَلَاثَةُ الْعَرَايسِ وَ لَدَةُ النَّفَيسِ

نسخه خطی ثَلَاثَةُ الْعَرَايسِ وَ لَدَةُ النَّفَيسِ در کتابخانه آستان قدس به شماره ۱۶۶۴۲ به ثبت رسیده است. نسخه با جمله: «و رو به دلاورانی نمود که حکیم خان چقدر کم رتبه بود...» آغاز شده و با جمله: «نام این کتاب تاریخ را ثَلَاثَةُ الْعَرَايسِ نهادیم و «و لَدَةُ النَّفَيسِ» هم خواندیم. من بنده گنجهکارم. در روز بیست و هشتم جمادی اول، به اتمام رسید در سنه ۱۱۲۶ قمری» به پایان رسیده است. این نسخه، همان‌گونه که از سطور پایانی آن برمی آید، در روز بیست و هشتم ماه جمادی‌الاولی سال ۱۱۲۶ در قرن دوازدهم به نگارش درآمده است. نسخه مورد نظر در ابعاد ۳۰ در ۱۹ سانتی‌متر و در ۲۷۵ صفحه نوشته شده است و هر صفحه دارای ۲۷ سطر به خط نستعلیق است. عناوین کتاب به خط سرخ نوشته شده و رنگ کاغذ نسخه، نخودی و نوع جلد، اسقاطی است. نسخه در تاریخ دی‌ماه ۱۳۶۷ به وسیله واقف، محمد ناصر متقیان به کتابخانه آستان قدس اهدا گردید.

۲-۲- ارتباط کلامی و غیرکلامی

ارتباط‌های کلامی به زبان وابسته هستند و زبان، نظام معانی رمزگذاری شده قراردادی است که به وسیله افرادی که زبان مشترک دارند فهمیده می‌شود. «در فرایند ادراک اجتماعی، غالباً مایلیم که از عواطف و احساسات دیگران اطلاع پیدا کنیم. اگر برای رسیدن به این خواسته و هدفمان، مستقیم از شخص مقابل سؤال کنیم و باب گفتگو را بازکنیم و به صورت پرسش و پاسخ، ارتباط برقرار کنیم، ارتباط کلامی است. اما پیام‌های کلامی تنها بخش کوچکی از این امکان را فراهم می‌آورند؛ زیرا عوامل زودگذری مثل تغییر خلق،

هیجان، خستگی، بیماری ممکن است بر نحوه تفکر و رفتار اثر بگذارد» (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۹).

طاهره موسی زاده و همکاران در پژوهشی در خصوص اهمیت ارتباط غیرکلامی می‌گویند: «ارتباط غیرکلامی، ریشه و سابقه‌ای بسیار طولانی دارد؛ اما مطالعه درباره ارتباط غیرکلامی، عمر کوتاهی دارد و نسبتاً جدید است، بنابراین ارتباطات غیرکلامی به‌نوعی اکتشافی بوده و ماهیتی آموختنی دارند. این ماهیت آموزشی رفتارهای غیرکلامی باعث می‌شوند بشر در هر برهه از حیات خود بتواند رفتارهای غیرکلامی را آموخته تا در ادامه بتواند به شیوه‌های تأثیرگذارتری در دیگران نفوذ نموده و آنان را تحت تأثیر قرار دهد» (موسی زاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۸).

۳- بحث و بررسی

۳-۱- شاخصه‌های ادبی

-تشبیه:

در ثَلَاثَةُ الْعَرَائِسِ وَ لَذَّةُ النَّفَائِسِ، آرایه‌های تشبیه یکی از ابزارهای مهم برای توصیف و شرح مفاهیم است. در این نوع اثر، آرایه‌های تشبیه برای ایجاد تصاویر زیبا و قوی برای مخاطبان استفاده شده است. نویسنده در این اثر از تشبیهات مختلفی استفاده کرده تا مفاهیم اخلاقی و انسانی را به‌خوبی نشان دهد. نویسنده از تصویرسازی‌هایی که به طبیعت، عناصر طبیعی یا وصف صفات انسانی مرتبط هستند، استفاده کرده تا احساسات و ایده‌های خود را به خواننده منتقل کند. مثال:

«نوشاد چون شیر غرَش کشید» (کاشی‌ساز: ۱۱). «سعید سپر بر سر کشید تن در زیر لکه ابر پنهان و چشم چون ستاره سهیل نمایان» (همان: ۱۱۹).

- استعاره مصرحه:

استعاره از جمله شیوه‌های استفاده شده در کتاب ثَلَاثَةُ الْعَرَائِسِ وَ لَذَّةُ النَّفَائِسِ است. در این کتاب، نویسنده از استعاره‌ها برای توصیف و شرح مفاهیم استفاده کرده است. «من نوشادم با اجل، دست به گریبان شدی» (همان: ۱۸).

«کیاهر گفت این عجب شیری است» (همان: ۱۲۱).

-کنایه:

کنایه یکی از اشکال اصطلاحات زبانی است که در آن به صورت ضمنی یا پنهانی، به جای کلمه مستقیم واقعی، از یک عبارت یا کلمه دیگر استفاده می‌شود. در کتاب ثَلَاثَةُ الْعَرَائِسِ وَ لَدَّةُ النَّفَائِسِ کاربرد کنایه برای ایجاد تصاویر زیبا و تأثیرگذار بیشتر در توصیف و شرح مفاهیم مورد استفاده قرار گرفته است. این نوع استعاره‌ها معمولاً برای انتقال مفاهیم پیچیده‌تر یا ایده‌هایی که به‌طور مستقیم بیان نمی‌شوند، استفاده می‌شوند. نویسندگان به‌جای استفاده از لغت یا مفهوم مستقیم، از کنایه‌هایی مانند تصویرسازی‌های پنهانی از واقعیت‌های انسانی یا طبیعی استفاده کرده تا مفهومی عمیق‌تر و غنی‌تر را برای خواننده ایجاد کند.

«خسرو خان، انگشت بر دیده نهاد و روانه شدند» (همان: ۲۴)؛ «ملازمان خرم بهادر با گریبان دریده رسیدند، شیون بر فلک شد» (همان: ۲۵). «چهار هزار نامرد بر خاک هلاک ریخت» (همان: ۷).

- اغراق:

در کتاب ثَلَاثَةُ الْعَرَائِسِ وَ لَدَّةُ النَّفَائِسِ، از اغراق استفاده شده. نویسنده در این کتاب از اغراق به منظور تقویت اثر زیبایی‌شناسانه و تأثیرگذاری بر روی خواننده استفاده کرده است. این اغراق‌ها معمولاً به کمک تصاویر بزرگ و پر قدرتی که در ذهن خواننده ایجاد می‌کنند، به خواننده امکان می‌دهند تا عمق و شگفتی‌های بیشتری از مضامین ارائه شده در کتاب را تجربه کنند.

«نعره علی علی از دل برکشید که در دشت بیابان به لرزه درآمد.» (کاشی‌ساز: ۱۴)، «شب سیاه خورشید، روشن شد به عین روز می‌تابید» (همان: ۲۳)، «آتش، خرمن خرمن بر سپهر اخضر زبانه کشید» (همان: ۲۵).

- تضاد:

نویسنده از تضادها یا مفاهیم متضاد برای ایجاد تأثیر و جذابیت بیشتر در متن استفاده کرده است.

«شب را چون روز روشن نمودند» (همان: ۷۳)، «صدا در کوه‌ها و برّ و بحر بیابان پیچید» (همان: ۲۵).

-تلمیح:

در این کتاب از تلمیح برای انتقال مفاهیم یا ایده‌هایی که به‌طور مستقیم بیان نمی‌شوند، استفاده شده است. تلمیح به خواننده امکان می‌دهد تا از طریق نکات ضمنی، اطلاعات بیشتری را در مورد مفاهیم یا شخصیت‌های اثر به دست آورد. این نوع از ابزارهای زبانی می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد برای به تصویر کشیدن ایده‌های پنهان یا چیزهایی که به‌صورت ضمنی مطرح می‌شوند، مورد استفاده قرار بگیرد.

«نگارنده نقاش مانی فریب حریر سخن را چنین» (همان: ۲۳).

«یک نعره الله‌اکبر از جگر برکشید که از صدای رعد اسامی، زهره رستم در سیستان آب شد» (همان: ۱۳).

- حس آمیزی:

از حس آمیزی برای توصیف زیبایی‌ها، احساسات و وضعیت‌های مختلف استفاده شده است. نویسنده به کمک توصیف‌های زیبا و تصاویر شعری، سعی در ایجاد ارتباط عاطفی و فراگیر با خواننده دارد. او از واژگان غنی و تصاویر زیبا برای توصیف مناظر، احساسات و ایده‌های خود استفاده کرده است تا تأثیرات عمیق‌تری بر جان و احساسات خواننده داشته باشد. «بانو آهی کشید و تلخ بگفت» (همان: ۱۰).

- طنز:

در این کتاب معمولاً از طنز به‌عنوان یکی از ابزارهای ادبی استفاده نشده است؛ زیرا موضوعاتی که در این کتاب مطرح شده، به‌طور کلی شامل مفاهیم اخلاقی و انسانی است که معمولاً به شکل جدی و عمیق مورد بررسی قرار گرفته است. «ای ملک‌زاده، عجب واعظ شیرین‌زبانی! برو، عمامه بگذار» (همان: ۱۱).

-عکس و قلب:

در آثار ادبی، استفاده از عکس و قلب به‌عنوان نمادها و مفاهیم مختلف، معمولاً باعث می‌شود تا خواننده درک عمیق‌تری از شخصیت‌ها، رویدادها یا مفاهیمی که توسط نویسنده مطرح شده‌اند، پیدا کند. این نمادها می‌توانند توانایی ایجاد ارتباط عمیق‌تر و فهم بهتری از موضوعات را در خواننده به ارمغان بیاورند. «بعد، دست چپ بر گرده راست و دست راست بر گرده چپ» (همان: ۱۲).

-مراعات نظیر:

از مراعات‌النظیر برای بیان مفاهیم پیچیده یا ایده‌های عمیق‌تر استفاده شده است. این اصطلاح معمولاً با استفاده از مقایسه بین دو یا چند موضوع مختلف، برای بهتر فهماندن یک مفهوم خاص استفاده شده است.

«طاعت الله تعالی فرض است» (کاشی‌ساز: ۴۵).

- واج‌آرایی:

واج‌آرایی در این کتاب به تنوع و زیبایی بیشتر در ساختار متن و انتقال احساسات و مفاهیم مورد نظر کمک کرده است. استفاده از ترتیب و نحوه قرارگیری واژگان، نحوه تکرار و ترکیب کلمات، به نویسنده امکان داده تا تأثیرات بیشتری را در خواننده ایجاد کند. «نیزه‌ها بر ترک تارک یکدیگر زدند» (همان: ۲۵)؛ «از هر سرگردان که شلاق شایق ابلق شلاق گردید» (همان: ۸).

- ضرب‌المثل:

در کتاب ثَلَاثَةُ الْعَرَائِسِ وَ لَذَّةُ النَّفَائِسِ از ضرب‌المثل برای توضیح و بیان مفاهیمی از جمله: اخلاق، حکمت، تجربه‌های زندگی و مفاهیم دیگر استفاده شده است. «شیری که از پستان مادر خورده بود در ریشه دنداننش به لذت درآمد» (همان: ۲۵).

۳-۲- ارتباط غیرکلامی (زبان بدن) در داستان ثَلَاثَةُ الْعَرَائِسِ وَ لَذَّةُ النَّفَائِسِ

علی‌اکبر فرهنگی در کتاب مبانی ارتباطات انسانی می‌گوید: «یکی از مواردی که در ارتباطات غیرکلامی ما را راهنمایی می‌کند، نشانه‌های دیداری است. نشانه‌های دیداری به اطلاعاتی که از کانال‌های دیگر به دست می‌آیند، می‌افزاید و آنها را تکمیل می‌کنند و زمانی خود به تنهایی، تنها کانال یا مجرای ارتباطی هستند. حرکات خاص سر، گاه می‌تواند خود به جای یک عبارت و یا یک جمله کامل بنشیند و زمانی دیگر همان کلمات و جملات ادا می‌شوند و حرکت سر در تکمیل آنها، کار خود را انجام می‌دهد» (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۲۸۹). اطلاعات مربوط به وضعیت درونی ما غالباً از طریق پنج مجرا و کانال اصلی امکان بروز می‌یابد:

۱- حالت‌های چهره ۲- تماس چشمی ۳- حرکات بدن، ۴- ژست‌ها (ایما و اشاره)، ۵- لمس کردن.

۳-۳- حرکات و اشارات مختص چهره

۳-۳-۱- ظاهر و زیبایی چهره

یکی از راه‌های ابراز حالت‌های درونی، حالت چهره است. سخنور رومی، سیسرون، بیش از دو هزار سال قبل گفته است: «چهره تصویر روح» است. مقصود وی آن است که هیجان‌ها، احساسات و سایر خصوصیات روحی-روانی انسان غالباً در چهره وی منعکس می‌شود. در چهره انسان، شش هیجان مختلف و اساسی به‌روشنی از همان سالیان اولیه زندگی تجلی می‌کنند که عبارت‌اند از: خشم، ترس، شادی، غم، تعجب و تنفر. البته این‌ها از هیجان‌های اصلی انسان‌اند و از آمیختن آن‌ها با همدیگر، هیجان‌های متنوع دیگری نیز ایجاد می‌شوند. (مثلاً شادی که رنگ غصه دارد، تعجب آمیخته با ترس و...) یافته‌های تحقیقی نشان می‌دهد که ارتباط میان تجارب هیجانی و حالت‌های چهره، ارتباطی واقعی و بسیار اساسی است. ترکیبات ادبی مختلف در زبان فارسی مانند چهره باز، چهره گشاده، اهرمن چهره، پری چهره و مانند آن‌ها نیز همین نکته را تأیید می‌کند» (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۹). کاشی‌ساز مشهدی در داستان خود، در زیبایی چهره شخصیت‌های داستان، ماه صورت بودن و نورانی بودن را مد نظر قرار داده است.

«دید جوانی ماه صورتی نشسته شمعدان نقره در پیش دارد» (کاشی‌ساز: ۶۹).
معشوق در ادبیات کلاسیک فارسی، نماد زیبایی، ملاحظت و ناز است و از دیدگاه عاشق، هیچ‌کس به زیبایی معشوق نمی‌رسد. عارض خورشید چهره، از ترکیب‌های زیبایی است که نویسنده به کار برده است.

«اما اشکش بر عارض خورشید چهره‌اش ریخت وصف شمایل معشوق با خویش می‌گفت» (همان: ۵۰).

ماه دو هفته، کنایه از معشوق زیبارویی که صورتش همانند ماه است.
«فریاد زد. پیرزن بیرون دوید. چشمش بر ماه دو هفته افتاد که چون ماه شب اول ضعیف شده بود. اشکش بر عارض خورشید چهره‌اش می‌ریزد» (همان: ۵۰).
خورشید چهره، کنایه از معشوق زیبارویی که صورتش همانند خورشید زیبا است.

- «جناب اقدس الهی، فرزندی ارجمندی، سعادت‌مندی، خورشید چهره، کمان‌ابروی، مژگان تیری، الف دماغی، چشم نرگسی، خال مشکینی، لب‌شکری، کرامت فرمود» (همان: ۲۳۱).
چهره در هم کشیدن،
«گفت پدر و مادرت را در عزایت سیاه‌پوش نمایم. ایاز چهره در هم کشید؛ بدش آمد» (همان: ۴۵).

۳-۲-۳- رنگ چهره

رنگ سرخ چهره برای نمایاندن حالت‌هایی مثل: خشم، شادی، سلامت و تندرستی و شرم به‌کار می‌رود. سرخی بخشی از گونه‌ها، نشانه شرمساری و خجالت است. همچنین سرخی گونه‌ها، معرف خشم هم هست. هنگام خشم، سرخ شدن به‌گونه‌ای متفاوت بروز می‌کند و در سراسر گونه‌ها و گاه در کل چهره، پخش می‌شود.

رنگ چهره، نقش مهمی را در ارتباط غیرکلامی و آشکار کردن هیجان‌های فرد ایفا می‌کند. اگر حس بینایی را از حس‌های کاربردی و مهم بدانیم، رنگ می‌تواند از دریافت‌های مهم این حس به‌شمار آید. زرد شدن، سرخ شدن، سیاه شدن و سفید شدن چهره هرکدام نشان‌دهنده حالتی از فرد هستند. زرد شدن چهره می‌تواند نشانه بیماری، ضعف، ترس، غم، اندوه و ناامیدی باشد. سرخی چهره نشانه خشم، شادمانی و سلامتی است. سیاهی چهره، نشانه‌ای از رسوایی و گناهکاری است. در عبارت زیر سرخی چهره، نشانه ترس و غم است.

کاشی‌ساز در عبارت زیر سرخ شدن چهره را بارنگ ارغوانی به تصویر کشیده است. رنگ ارغوانی چهره بیانگر ترس و اضطراب است.

«نوشاد لنگر انداخت خود را بر زمین گرفته اما نوشاد رنگش ارغوانی گردید و چهره‌اش از غیرت برافروخته شد» (کاشی‌ساز: ۷۵).

در جمله زیر رنگ ارغوانی میل به زعفران نموده، اشاره به عاشق شدن سلیمانی دارد. نویسنده به زردرویی رنگ چهره عاشق اشاره کرده است.

«چشمش بر چشم دختر افتاد دید که سلیمانی چشم قرمز شده و رنگ ارغوانی میل به زعفران نموده شصتش خبردار شد با خود گفت بانو دل‌باخته است» (همان: ۵۳).

چهره زرد در عبارت زیر، نشانه ترس است.

- «سلطان نیاز گفت: نهار من مهیاست. کياهور فرمود، نتوانم خورد. چهره کياهور به زردی، روی درهم کشید. امیر خان بر صندلی زر قرار گرفت؛ اما صورت چون طبق لعل در گرفته» (همان: ۶۵).

۳-۳-۳- حرکات و اشارات مختص چشم

چشم یکی از اعضای مهم بدن انسان است که می‌تواند پیام‌های گوناگونی را به صورت غیرکلامی منتقل سازد. «مطالعه رفتار چشم، تماس چشمی، حرکات چشمی و کارکردهای چشم، ارتباطات چشمی ارتباطات بصری نامیده می‌شود» (ریچموند، ۱۳۸۸: ۲۱۵). در کتاب *ثَلَاثَةُ الْعَرَايسِ وَ لَذَّةُ النَّفَايسِ*، ارتباطات چشمی، بیشترین کاربرد ارتباطات غیرکلامی است که در این باره سعی شده است تا حد امکان، مضامین مرتبط ارتباطی آن شناسایی شوند. از مهمترین ارتباطات غیرکلامی چشمی در این کتاب، می‌توان به نشانه‌های عمومی شورچشمی، حسادت، تأثیرپذیری و زیبایی چشم (چشم نرگس، چشم عشوه بخش، چشم جادو، چشم سیاه، چشم روشن، چشم غمزه و عشوه)، اشاره نمود.

۳-۴- نشانه‌های عمومی

۳-۴-۱- شورچشمی

در لغت‌نامه در تعریف چشم‌زخم آمده است: «چشم‌شور، در لغت به معنی چشم بد که زود اثر کند.» (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل چشم‌شور). در اعتقاد و فرهنگ عامه، گروهی از مردم دارای چشم یا نگاه شوم و بدشگون هستند. نظر این افراد به هرکسی که جلب شود، برایش مصیبت و بدشانسی به بار می‌آورد؛ به این افراد «شور چشم» می‌گویند. عامل و سبب آن، نوعی حسادت است و انسان حسود وقتی چیزی را می‌بیند که در پیش چشمش بسیار زیبا جلوه کند، حسادتش تحریک می‌شود و در همان نگاه اول، زهر خود را می‌ریزد. نویسنده کتاب *ثَلَاثَةُ الْعَرَايسِ وَ لَذَّةُ النَّفَايسِ* به‌جای چشم شور به چشم زخم اشاره کرده و می‌گوید:

- «گفت ای پهلوان، من خود به حرب این بی‌مروت می‌روم؛ مبادا چشم‌زخمی به تو رسد» (کاشی‌ساز: ۱۵).

- «کیاهور گفت، حریف پر زور است. خبردار خود باش. مبادا چشم زخم به تو رسد»
(همان: ۵۶).

۳-۴-۲- حسدپیشه

در لغت‌نامه در تعریف حسادت آمده است: «حسود در لغت به معنی بدخواه، حاسد، حسدناک، رشک برنده، رشکین، شورچشم» (دهخدا، ذیل حسد). در جمله زیر آمده است که فرخ، خطاب به خلیفه در رابطه با حسادت اطرافیان چنین می‌گوید:
«ببینند خلیفه چه قدر به من محبت دارد، رشکشان می‌کند و دیگر خیانت ایشان را هم به خلیفه و هم به خود می‌دهم» (کاشی‌ساز: ۷۶).

۳-۴-۳- نشانه‌های زیبایی چشم

تماس چشمی مناسب در فرهنگ‌های مختلف، نشان‌دهنده اعتماد به نفس، صداقت، علاقه‌مندی و غیره است. از میان اعضای چهره، چشم‌ها در برقراری ارتباط و نشان دادن حالت‌های درونی و روحی ما از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. چشم‌ها در مقایسه با سایر نواحی چهره می‌توانند اطلاعات زیادی راجع به هیجان‌های ترس، شادی، غم، عصبانیت و تنفر در اختیار ما بگذارند. چشم‌ها دارای زبان مخصوص به خود هستند. «توصیف حالات چشم، با صفات زیبایی چشم چون به درشتی، شفافیت، درخشانی اشاره دارد. چشمی که اندوه درد با آن نرسیده باشد، شفاف و درخشان است و تغییر رنگی در آن دیده نمی‌شود» (جلالی و صادقی، ۱۳۵۳: ۲۳).

پرکاربردترین ترکیبات مرتبط با چشم در داستان کاشی‌ساز مشهدی چشم ارقم، چشم نرگس، چشم بیدار، چشم روشن، چشم سیاه، چشم جادو، چشم حقارت و غیره است. با بررسی داستان کاشی‌ساز مشهدی مشخص می‌گردد که در این داستان حرکات چشم، معانی متفاوتی دارد. گاهی مواقع هم رابطه تنگاتنگی با ناز معشوق به خود می‌گیرد؛ زیرا زیبایی معشوق باعث ناز او می‌شود و از دیگر جهت، حسن او برانگیزاننده عشق و به عبارتی نیاز در نهاد عاشق است. عبارات زیر از جمله کاربردهای نشانه‌های زیبایی در ارتباطات زبان بدن هستند.

«جوانی سرو قد از خال در گوشه لب، چشم چون دو نرگس تر، گردن چون بلور دو شاخی.» (کاشی‌ساز: ۵۰)

«چشمش چون دو نرگس شهلا، ابرو پیوسته چون قوس هلال، قد کشیده چون سرو» (همان: ۶۴).

«و دو چشم چون پیاله نرگس در کاسه سر در گردش» (همان: ۱۸۰).

چشم چون دو نرگس، این اصطلاح به زیبایی و جلوه‌ای که چشمان شخص به دیگران القا می‌کند، اشاره دارد. از نظر شاعران و نویسندگان، چشمان شفاف و زیبا، همواره به‌عنوان نمادی از زیبایی و جذابیت است و این اصطلاح برای توصیف چنین چشمانی به‌کار می‌رود.

۳-۴-۴- نشانه‌های تأثیرپذیری

واژه‌های چشم جادو، چشم سیاه، چشم روشن، چشم غمزه و عشوه برای چشم از نشانه‌های دیداری حالت غیرکلامی عاشقانه است که کاشی‌ساز مشهدی در داستان خود به آن‌ها اشاره کرده است. در شاهد مثال‌های زیر، برای چشم، صفات چشم عشوه بخش، چشم سیاه، غمزه دلربا و چشم نرگس به‌کار رفته است.

«به بالای دو چشم عشوه بخشش باشد ابرویی» (کاشی‌ساز: ۱۰۳).

«کمر باریکش چون موی، چشم سپاهش جادوی اهل جاوید و غمزه‌اش دلرباینده خوبان» (همان: ۱۸۴).

«و چشم‌هایش چون دو پیاله نرگس در کاسه خانه سر، با بازی، تیری از آن غمزه دلدوز جست آمد بر لوح سینه‌اش تا سپر به سرخی سوفار نشست» (همان: ۱۰۱).

۳-۴-۵- نشانه‌های خشم

چهره درهم و اخم‌کرده و ابروان گره‌خورده در صورت انسان، حاکی از پیام خشم و ناراحتی است. این پیام، بدون کلام و سریع منتقل می‌گردد و موجب واکنش می‌شود. خشم و غضب در جمله زیر، با حالت غیرکلامی اخم کردن نشان داده شده است. «هر دو بر ابروان خم افکندند/ نیزه بر نیزه هم افکندند» (همان: ۵).

۳-۴-۶- نشانه‌های غم و غصه

چشم، ابزاری برای دریافت پیام‌ها از طرف مقابل است. نویسنده، پیام غیرکلامی دیداری دریافت شده توسط چشم را نشان از آشنایی می‌داند. «مدارک و شواهد نشان می‌دهد که قابلیت اعتماد بیشتری به علائم و نشانه‌های دیداری در گونه موقعیت‌ها وجود دارد» (محسنیان راد، ۱۳۵۳: ۲۷۵). از نشانه‌های غم و غصه در داستان کاشی‌ساز که مستقیماً با پیام‌های غیرکلامی در ارتباط هستند، می‌توان به چشم خون، چشم چون دو پیاله خون، چشم تر اشاره کرد.

چشم خون

عبارت چشم پر خون، برای توصیف فردی که بسیار عصبانی، تندمزاج یا پر از خشم است، استفاده می‌شود.

«رشنواز با گریبان‌های دریده و چشم خون از ارنواز پرسید شما را چه می‌شود؟» (کاشی‌ساز: ۵).

در این نمونه، رنجیدن پیامی است که از طریق نگاه به صورت غیرکلامی منتقل شده است. «در آن وقت ملازمان رشنواز با گریبان‌های دریده و چشم خون وارد شدند» (همان: ۵).

چشم تر

عبارت چشم تر به معنای گرفتگی یا نگرانی بیش از حد است. این عبارت معمولاً به کسانی اطلاق می‌شود که نگرانی‌ها یا احساساتشان زیاده‌روی کرده و به شدت ناراحت یا نگران هستند. در این عبارت، چشم تر کنایه از گریان بودن چشم است. «اعظم گفت ای شاه، مگر رزم کیهن‌ساز چشم تو را تر ساخته است؟» (همان: ۲۰۱).

۳-۴-۶- نشانه تعجب

از میان اعضای چهره، چشم‌ها در برقراری ارتباط و نشان دادن حالت‌های درونی و روحی ما از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. چشم‌ها در مقایسه با سایر نواحی چهره می‌توانند اطلاعات زیادی راجع به هیجان‌های ترس، شادی، غم، عصبانیت و تنفر در اختیار ما بگذارند. چشم‌ها دارای زبان مخصوص به خود هستند. با این وجود باید توجه داشته باشیم که بهترین قضاوت‌های ما در مورد هیجان‌های فرد، زمانی شکل می‌گیرد که کل چهره او را در نظر بگیریم. پس با نگاه می‌توانیم علاقه و محبت، شادی و اندوه، خشم و نفرت، خستگی و آزدگی و تعجب و حالت انتظار را نشان دهیم. در عبارت زیر سفید شدن چشم، حاکی از تعجب و شگفتی است.

«سیاهی چشم رفت، سفیدی چشم پیش آمد. دنیا در مدّ نظرش، تیره و تار شد» (کاشی‌ساز: ۲۰۴).

در عبارت زیر زهر چشم، نشانه خشم و غضب است. زهر چشم، به توصیف نگاه‌ها یا نگرش‌های ناخوشایند یا تحقیرآمیز اشاره دارد که ممکن است بدون کلام، احساسات منفی را به دیگران منتقل کند.

«و طرّه پریشان در عقب سر، باد مسلسل وار می‌جنباند که دل عشاق را آب می‌نماید؛ اما جوانی که زهره چشمش گذر از...» (همان: ۲۱۵).

۳-۴-۷- نشانه پشیمانی

پشیمانی در وجود انسان، یک احساسی همراه با ناامیدی، یاس و نارضایتی است. احساس پشیمانی از انجام عملی یا غفلتی است. معمولاً، فردی که مداوم با احساس پشیمانی به سر می‌برد، همیشه به عمر گذشته خود افسوس می‌خورد و حسرت موقعیت‌هایی از دست رفته را می‌خورد که از دست داده و دیگر قابل جبران نیست. در عبارت زیر فرار کردن از محضر پادشاه، نشانه پشیمانی است.

«بانو چون چشمشان بر بابا افتاد از شرم و از حیا گریختند» (کاشی‌ساز: ۲۱۶).

تیز تیز به کسی نگاه کردن، نشانه تعجب و شگفتی است.

«ما بین فضل و شهاب، دوستی محکم بود. بعد برگشت. چشمش بر اسکندر خان افتاد به تعجب ماند از آنجا تیز تیز بر بابا نگریست» (کاشی‌ساز: ۲۳۵).

در این عبارت، جاری شدن اشک بر عارض، نشانه پشیمانی است.

«پیرزن بیرون دوید، چشمش بر ماه دو هفته افتاد که چون ماه شب اول ضعیف شده بود.

اشکش بر عارض خورشید چهره‌اش می‌ریزد» (همان: ۵۰).

۳-۵- حرکات و اشارات زلف و مو

از مؤثرترین و قدرتمندترین ابزارهای ارتباطات غیرکلامی، زلف و گیسو است. در مفاهیم و تعبیرهای ادبی، زلف و گیسو همانند: بی‌قراری، دلربایی معشوق از عاشق، پیچ و شکن

عشق و غیره مورد استفاده واقع شده است. در ارتباطات غیرکلامی عاشقانه، زلف و گیسو را می توان دارای بالاترین بسامد به حساب آورد.

«در باور غالب افراد، این است که موی کوتاه، نشانهٔ محافظه‌کاری و سازگاری و موی بلند، نشانهٔ ماهیتی هنری و عصیان‌گری است. این باور که گاه درست به نظر می‌آید؛ اما در همهٔ موارد این‌گونه نیست؛ زیرا موهای کوتاه می‌تواند بیان‌کنندهٔ نشانه‌های دیگری هم باشد» (حسام زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۵). مثلاً در عبارت زیر، موی راست شدن، کنایه از خشمگین شدن است. «شاه موی بدنش راست شده» (کاشی‌ساز: ۶).

۳-۵-۱- گیسو

گیسو یکی از نمادهای زیبایی و زیبایی زنانه است که در شعر و داستان‌ها به کار می‌رود. این نماد برای ابراز زیبایی، زنانگی، شور و شغف و حس زیبایی معمولاً مورد استفاده قرار می‌گیرد. شاعران و نویسندگان از قدیم‌الایام از گیسو به‌عنوان نمادی از زیبایی و زنانگی استفاده می‌کردند. گیسوهای طویل و روانه، به‌عنوان نشانه‌هایی از دلکشی و زیبایی در ادبیات و شعر است. استفاده از این نماد در شعر، یکی از راه‌هایی است که شاعران احساسات و تصاویر خود را به‌خوبی منعکس می‌کنند و زیبایی را با زبان شعر به تصویر می‌کشند. در عبارت زیر دو گیسوی بافته در پیش و دو گیسوی بافته در پشت، نشانه‌ای از زیبایی بوده است.

«ارقمش برگشت، طرفه جوانی (نوшاد)، ماه‌رخساری، طرهٔ گیسویی، دو طرهٔ، گیسو در پیش و دو گیسو در عقب» (همان: ۱۸).

بریدن گیسو در گذشته، نشانهٔ غم و ناراحتی و بلا و مصیبت بوده است.
«خرم فریاد زد، ای بخت‌برگشته به کجا می‌روی به‌سرعت؟ کیه‌هور گفت: می‌رفتم به سروقت آن گیسو بریده» (همان: ۲۴).

گیسوی بلند، در عبارت زیر نشانهٔ زیبایی است. «زنار کمربندی بود که ذمیان نصرانی در مشرق زمین به امر مسلمانان مجبور به داشتن آن بودند تا بدین‌وسیله از مسلمانان ممتاز گردند» (دهخدا، ذیل زنار). در عبارت زیر، گیسوی بلند به زنار همانند شده است.

«سرو قدی، ماهرخساری، لاله عذاری، سیم قنبری، عرین موئی، زَنار گیسویی» (کاشی‌ساز: ۵۱).

۳-۵-۲- زلف

ترکیب زلف چون عقرب کوچک، تشبیه است و نویسنده به زلف‌هایی اشاره کرده که شبیه به عقرب کوچک و نازک هستند. عبارت زلف چون عقرب کوچک، برای توصیف زلف‌هایی با بافتی نازک، خمیده و بسیار نرم و نازک استفاده می‌شود. این تصویر در شعر و نثر به‌منظور تأکید بر نرمی، ظرافت و ظریفی زلف‌ها به کار می‌رود.

«دو طره گیسو در پیش و دو گیسو در عقب، چشم‌ها چون پیاله نرگس، زلف چون عقرب کوچک ریخته بر صورت» (کاشی‌ساز: ۱۸).

کاربرد زلف پریشان بیانگر وضعیت زلف‌های به‌هم‌ریخته یا بافتی نامنظم است. همچنین به معنای زلف‌هایی است که آراسته نیستند و به هم گره خورده‌اند و به‌عنوان نمادی از حالتی از هرج‌ومرج در احساسات یا زندگی انسان‌ها به کار می‌رود. در جمله زیر، پریشان بودن زلف را نشانه عشق و عاشقی دانسته است.

«چشمش بر ماه دو هفته افتاد که چون ماه شب اول، ضعیف شده بود. اشکش بر عارض خورشید چهره‌اش می‌ریزد، زلفش از سلسله عشق پریشان» (همان: ۵۰).

نویسنده برای وصف زیبایی معشوق، صفت خاصی آورده است. در توصیف زلف، صفت جادو را ذکر کرده است. نویسنده ترکیب زلف جادو را به کار برده تا زیبایی و جذابیت زلف‌های دختر را توصیف کند. زلف جادو، به‌طور مجازی به زلف‌هایی اشاره دارد که به‌نوعی جادویی و فراطبیعی به نظر می‌رسند، زیبایی خاص و فریبنده‌ای دارند و تأثیرگذاری خاصی بر دل و ذهن مخاطبان یا شاعر دارند. این عبارت به‌کار رفته در شعر و نثر برای توصیف زلف‌هایی با زیبایی فوق‌العاده، بافتی رونق‌بخش و جذاب، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

«شاهزاده سر از زیر لحاف درآورد، چشمش بر یک سر و قامت پری‌چهره گل‌رخسار مو زَنار زلف جادو، خال هندو و چشم آهو، سینه لیموی، کمر موئی، تمام غمزه عاشق کش،

شیرین‌زبانی، گردن صراحی، ابرو هلالی، مژگان تیری، کبک خرامی، طاووس دمی را به نظر درآورد که در عمر ندیده بود» (همان: ۷۷).

۳-۵-۳- مو

پیام‌های غیرکلامی مو، از رنگ مو، بلندی مو، موی صورت و دست‌کاری مو حاصل می‌شوند. اندازه مو بر اعتبار و باصلاحیت به نظر رسیدن فرد از سوی دیگران مؤثر است. دست‌کاری مو نیز ممکن است برداشت‌های اجتماعی قوی را برانگیزد. دست‌کاری کردن مو، رفتار «وررفتن» نامیده می‌شود. نمونه‌های دست‌کاری مو عبارت‌اند از: دست کشیدن به ریش، جویدن مو، کندن موی صورت و کنار زدن مو از جلوی چشم و صورت» (ریچموند، ۱۳۸۸: ۱۲۹). نویسنده، شجاعت و دلیری زن را در نعره زدن و زیبایی او را در موی بلند به تصویر کشیده است.

«بانو یک نعره زد که در دشت بیابان به لرزه درآمد. شیر از غرش بانو برگشت. طرفه موی را به نظر درآورد و موی دختر تا پشت پاش می‌آمد. شیر قصد بانو نمود، پنجه بر زمین می‌زد» (کاشی‌ساز: ۷۷).

در عبارت زیر نویسنده علاوه بر بلندی موی به خوشبویی آن هم اشاره کرده است. «هودج آمد. ناگاه چشمش بر جمال اتلیناز افتاد. عجب زیبا دختری دید که چون ماه شب چهارده درخشان است و رویش چون طبق گل شکفته و مویش چون مشک تاتار تا پشت پا ریخته» (همان: ۱۰۱).

موی بلند در این بیت نشانگر فرد لالایی و دیوانه است. «بانو برگشت چشمش بر یک دیوانه افتاد که مو در پشت پا ریخته و زنجیر خاردار بر کمر بسته و لباس درویشی پوشیده» (کاشی‌ساز: ۷۷).

گاهی شاعران و نویسندگان بلندی مو را به کمند (طناب) همانند می‌کردند. «نوشاد چون شیر غرش کشید. فرمود: که اگر دستش را به کمند مویش نبندم از نسل ارسالان شاه نیستم» (همان: ۱۱).

۳-۶- حرکات و اشارات دست و پا

در میان حرکات اندام‌ها، دست‌ها، بیشترین معنی و مفهوم را دارند و در ارتباط کاربرد بالایی دارند و در برقراری ارتباط با دیگران از حرکات‌های آن استفاده می‌کنیم. «محققان،

معتقدند جای تعجب نیست اگر پس از حرکات چهره، دستان بشر را دومین منبع و وسیله مهم ارتباط غیرکلامی او با دیگران بدانیم» (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۳۰۱). در داستان کاشی‌ساز مشهدی، از دست و پا برای ارتباط غیرکلامی زیاد استفاده شده است.

۳-۶-۱- دست کشیدن

دست کشیدن، اصطلاحی است که در فارسی به معنای اجتناب یا عدم مشارکت در یک امر، موضوع یا فعالیت است. این اصطلاح معمولاً کنایه یا نشانه‌ای از عدم تمایل یا عدم مشارکت در یک کار یا اقدامی به کار می‌رود. در عبارت زیر به معنی ترک جنگ به کار رفته است.

«امر نمود طبل بازگشتن زدند. دلیران از رزمگاه دست کشیدند. دختر از رزم دست کشید، چون پلنگ تیرخورده در بارگاه قرار گرفت» (کاشی‌ساز: ۲۹).

در عبارت زیر دست کشیدن به معنی رها کردن است.

«نوشاد دست از قلعه کشیده، برگشت. چنان نعره‌ای کشید که زمین چون کوه سیماب گردید» (همان: ۹).

۳-۶-۲- دست بستن

دست‌بسته در اصطلاح ادبی به معنای عدم توانایی یا امکان انجام یک کار یا مشارکت در یک امر است. دست بستن کنایه از این است که فردی توانایی یا امکان انجام یک کار خاص را ندارد یا از مشارکت در آن خودداری می‌کند.

«بعد از آن شاپور فرمود به فرزند خود ارسلان شاه، لشکر برمی‌داری و به سرخس می‌روی و آن دختر را دست‌بسته می‌آوری» (همان: ۱).

«اگر مطلب اذیت نمودن است، من دست‌بسته ایشان را نزد تو می‌فرستم؛ تو ایشان را چند تازیانه بزن تا از غضب فرود آیی» (همان: ۱۰).

۳-۶-۳- دست بر سینه

دست بر سینه نهادن، کنایه از رعایت ادب و احترام است و در عبارت زیر به همین معنی به کار رفته است.

«امیر شاه داخل گردید دست ادب بر سینه و پای عزت جفت نمود و ثنای ملک‌زاده را به جا آورد» (همان: ۱۰).

۳-۶-۴- دست برداشتن

دست برداشتن، کنایه از دعا و راز و نیاز کردن است. در عبارت زیر دست برداشتن، در معنی دعا کردن به کار رفته است.

«کار بر ایشان تنگ شد. دست نیاز به درگاه بی‌نیاز برداشتند و یا علی گویان در مناجات بودند» (کاشی‌ساز: ۴).

۳-۶۳-۵- دست بر دست زدن

دست بر دست زدن، کنایه از عدم توانایی یا تسلیم شدن در مواجهه با امری و عدم توانایی در انجام کار یا حل مسئله است.

«دست بر دست زد که ای وای نزد شهریار رسوا شدم و گفت ای یاران مگذارید، دست به قائمه تیغ آبدار» (کاشی‌ساز: ۴).

۳-۶-۶- به دست کسی انداختن

کسی را به دست دیگری انداختن، کنایه از گرفتار ساختن است.

«ارنواز سوار گردید، چون شیر بخروشید. فریاد زد ای برگشته بخت، قضا گریبان تو را دست خیاط قابلی انداخته که چون مقراض هر حصه ات نمایم» (همان: ۵).

۳-۶-۷- دست و پا گم کردن

دست و پا گم کردن، به معنای وضعیتی از عدم توانایی یا ناتوانی بسیار شدید و ناشی از ابهام و گیجی است. کاربرد این عبارت بیانگر آن است که فردی در مواجهه با یک وضعیت یا وظیفه‌ای به شدت گیج یا ناتوان شده و نمی‌تواند به درستی عمل کند یا تصمیم بگیرد. در جمله زیر دست و پا گم کردن، کنایه از حیران شدن است.

«دختر دست و پا را گم نمود رو به نوشاد دوید تبرزین از پشت کمر کشید بر فرق نوشاد انداخت» (کاشی‌ساز: ۱۷).

«دست به قائمه تیغ آبدار نمود. حواله فرق حکیم خان کرد. خان دست و پا را گم نمود» (همان: ۲۳).

۳-۶-۸- پا پیش گذاشتن

پا پیش گذاشتن در لغت به معنی حیران بودن و تردید داشتن است که در ارتباطات غیرکلامی کاربرد دارد. در این عبارت به معنی وارد نشدن است. «عرض ای شهنشاه عرب و عجم، فدایت گردم پا در آستانت نخواهم گذاشت تا آستانت را ازین سگان که اولاد هارون و مأمون‌اند به قتل نرسانم» (همان: ۸۲).

۳-۶-۹- در پا کشید

در پا کشیدن، کنایه از پوشیدن است که در ارتباطات غیرکلامی به کار می‌رود. «کمند شصت خم را که چون زلف عروسان، پیچ بر پیچ بود بر کمر پیچید و چکمه کیمخت را در پا کشید» (کاشی‌ساز: ۸).

۳-۶-۱۰- پای جفت کردن

پای عزت جفت نمودن، کنایه از داشتن ارادت و دوستی نسبت به کسی است. «دست ادب بر سینه و پای عزت جفت نمود و ثنای ملک‌زاده را به جا آورد» (همان: ۱۰).

۳-۶-۱۱- از پا درآوردن

از پای درآوردن، کنایه از نابود کردن است و در ارتباطات غیرکلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

«گفت ای شاهزاده این همه غرش برای چه می‌کشی این لشکر را از پای درآوری» (همان: ۱۲).

پا به گریز نهادن

پا به گریز نهادن، کنایه از فرار کردن است که در ارتباطات غیرکلامی به کار رفته است. «سه حرامزاده دیگر هم پا به گریز نهادند. بانو ایشان را تا در حصار تعقیب کرد» (همان: ۳۷).

۳-۶-۱۲-پابوس

پای بوسیدن به عنوان نمادی از احترام، تواضع یا تقدیر از شخصیت یا مقامی ویژه است که در ارتباطات غیرکلامی هم به کار می‌رود. «در آن خجالتم که چه ریزم به پای تو، مشرف مزین، خیرمقدم، خوش آمدی. خسرو گفت رسیدم به پابوس» (همان: ۵۷).

۳-۶-۱۳-قدم پیش نهادن

اصطلاح قدم پیش نهادن به معنای گام برداشتن و اقدامی که به منزله پیشروی و پیشبرد در یک موضوع یا مسئله مهم استفاده می‌شود. همچنین به معنای شروع کردن به کاری یا انجام دادن یک فعالیت یا تصمیمی است که منجر به پیشرفت یا تغییرات مثبتی می‌شود. «و قدم جرأت به پیش نهاد. شیر خیز برداشته خود را به نزد دختر رسانید» (همان: ۷۷).

۳-۷-۱-نشانه‌های لب و دندان

۳-۷-۱-بوسه زدن به دست و پا

یکی دیگر از ارتباطات غیرکلامی در داستان کاشی‌ساز مشهدی، بوسه زدن بر دست و پا است که بیانگر ادب و تعظیم و تواضع اطرافیان در برابر پادشاه است و می‌نویسد: «دلیران تا دو دنگه میدان، پیشواز نمودند و تمام آفرین بر زور بازوی سپه‌سالار گفتند و دست کپاهور را بوسیدند» (همان: ۲۰۱).

۳-۷-۲- لب بر لب نهادن

تماس بدنی نوعی ارتباط غیرکلامی است و خوب به کار بردنش، بیشتر از کلمات و گفتار در انتقال پیام مؤثر است و حالت‌های هیجانی پیام را بیان می‌کند. در این عبارت، لب بر لب نهادن، کنایه از بوسیدن است. نویسنده این حالت‌های عاطفی و توجه و محبت را در قهرمانان و شخصیت‌های داستان‌هایش با تعبیر در آغوش گرفتن، در برگرفتن و بوسیدن توصیف کرده است.

«شاه بی طاقت شد. بانو را در آغوش کشید و لب بر لبش نهاد، فرمود» (کاشی‌ساز: ۱۱۶).

۴- نتیجه‌گیری

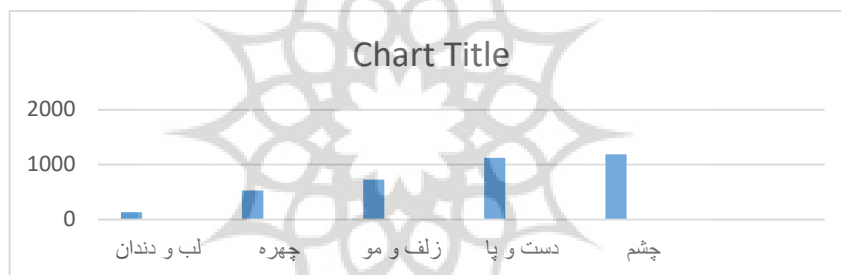
زبان بدن مجموعه گسترده‌ای از رفتارها و پدیده‌های اشاری و حرکتی‌اند. انسان می‌تواند منظور اصلی خود را در نقاب کلمات مخفی کند، اما قادر به پنهان کردن زبان بدن ناست. زبان بدن یا نشانه‌های غیرکلامی، با وجوه مشترک و گاه اختلافی که دارند، کاربرد و کارکرد فرهنگی و بلاغی خاصی دارند. با بررسی زبان بدن در کتاب «ثَلَاثَةُ الْعَرَايسِ وَ لَذَّةُ النَّفَايسِ» مشخص گردید که کاشی‌ساز مشهدی، انواع عناصر ارتباطی غیرکلامی را در داستان خود به کار برده است و نتایج پژوهش بیانگر آن است که ارتباطات غیرکلامی در این اثر، مکمل ارتباطات کلامی‌اند و در جهت تقویت آن‌ها به کار رفته‌اند. نویسنده در این پژوهش به بررسی و تبیین زبان بدن و یا ارتباط غیرکلامی در داستان «ثَلَاثَةُ الْعَرَايسِ وَ لَذَّةُ النَّفَايسِ» پرداخته است.

کاشی‌ساز مشهدی با استفاده از ظرفیت‌های کنش‌های غیرکلامی زبان بدن، از حرکات و اعضا و جوارح بدن؛ یعنی حرکات و اشارات خاص چشم، صورت، ابرو، دست و پا، مو و زلف و لب و دندان و برخی صفات آنها به انتقال معنا و ترسیم فضای عاطفی پرداخته است. انگیزه نویسنده از کاربرد زبان بدن در این اثر، بیشتر برای جلب توجه خواننده و ایجاد زمینه‌های بازاندیشی در کنش‌های غیرکلامی، واقع‌نمایی شخصیت‌ها، نشان دادن بن‌مایه‌های فرهنگی و اجتماعی، ترسیم کیفیت ارتباطات غیرکلامی در انتقال فضای عاطفی است. همچنین نویسنده، مفاهیم مرتبط با حرکات اعضا و جوارح بدن را با استفاده از آرایه کنایه و دیگر صور خیال نشان داده است. واکاوی زبان بدن در داستان کاشی‌ساز مشهدی

بیانگر آن است که جایگاه، اهمیت، خاصیت و کارکرد ارتباطات غیرکلامی زبان بدن در این کتاب، جایگاهی کمتر از اهمیت و کارکرد ارتباطات زبانی ندارد. همچنین، نتیجه پژوهش بیانگر آن است که نویسنده برای بیان احساسات غیرکلامی زبان بدن، بیشتر از حرکات مختص دست و پا و حرکات و اشارات مخصوص چشم بیشترین بسامد و از حرکات چهره، زلف و لب و دندان، کمترین بسامد، استفاده کرده است.

جدول ارتباط غیرکلامی (زبان بدن) در داستان *ثلاثه العرایس و لذه النفیس*

جمع	لب و دندان	دست و پا	زلف و مو	چشم	چهره	
۳۶۹۶	۱۳۲	۱۱۲۲	۷۲۶	۱۱۸۸	۵۲۸	بسامد
% ۱۰۰	۳/۵۷ %	% ۳۰/۳۵	% ۱۹/۶۴	۳۲/۱۴ %	% ۱۴/۲۸	درصد



نمودار ارتباط غیرکلامی (زبان بدن) در داستان *ثلاثه العرایس و لذه النفیس*

با عنایت به جدول فوق مشخص گردید که حرکات و اشارات مختص چشم با ۱۱۸۸ بار کاربرد، بیشترین بسامد و همچنین حرکات و اشارات مختص لب و دندان با ۱۳۲ بار بسامد، کمترین کاربرد را دارد.

منابع

کتاب‌ها

- ۱- آذربایجانی، مسعود؛ سالاری فر، محمدرضا، عباسی، اکبر و دیگران، (۱۳۸۷)، **روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها،
- ۲- پییز، آلن، (۱۴۰۲)، **زبان بدن**، ترجمه کامبیز هادی‌پور، تهران: سما.
- ۳- حسام‌زاده، منصور همایون، (۱۳۹۰)، **زبان بدن**، تهران: پورنک.
- ۴- درایتی، مصطفی، (۱۳۸۸)، **فهرست نسخه‌های خطی ایران (فخنا)**، تهران: نشر سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.
- ۵- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۳)، **لغت‌نامه**، ج ۱۲، تهران: دانشگاه تهران.
- ۶- ریچموند، ویرجینیایی و مک کروسکی، جیمز سی، (۱۳۸۸)، **رفتارهای غیرکلامی در روابط میان فردی (درس‌نامه ارتباطات غیرکلامی)**، ترجمه فاطمه سادات موسوی و ژبلا عبدالله‌پور، چاپ دوم، زیر نظر غلامرضا آذری، تهران: دانژه.
- ۷- فرهنگی، علی‌اکبر، (۱۳۷۳)، **مبانی ارتباطات انسانی**، تهران: تایمر.
- ۸- الله‌وردی کاشی‌ساز مشهدی، حاجی علی‌بن حاجی، (ف ۱۷-۷۷)، **ثَلَاثَةُ الْعَرَائِسِ وَ لَذَّةُ النَّفَائِسِ**، مشهد: آستان قدس رضوی، شماره ۱۶۶۴۲. تاریخ کتابت: ۱۱۲۶ ق.
- ۹- محسنیان راد، مهدی، (۱۳۵۳)، **ارتباطات شناسی**، تهران: سروش.
- ۱۰- وود، جولیاتی، (۱۳۸۴)، **ارتباطات میان فردی (روان‌شناسی تعامل اجتماعی)**؛ ترجمه مهرداد فیروزبخت، چاپ دوم، تهران: شهر کتاب و مهتاب.

مقالات و پایان‌نامه‌ها

- ۱- جلالی، مریم و صادقی، معصومه، (۱۳۵۳)، «سطوح گفتار زنان در گرشاسب‌نامه بر مبنای تئوری سرل»، **مجله پژوهش‌های ادبی و بلاغی**، دوره ۲، شماره ۴: ۳۱-۲۰.
- ۲- رئوفی، فرح (۱۳۹۲)، «ارتباط‌های غیرکلامی در شاهنامه فردوسی با تأکید بر داستان رستم و اسفندیار و داستان سیاوش»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، استاد راهنما دکتر یدالله شکری، دانشگاه سمنان.

- ۳- رضایی، ایرج، (۱۳۸۶)، «ارتباط‌های غیرکلامی در مثنوی معنوی»، پژوهش‌های ادبی، شماره ۱۶: ۱۳۵-۱۱۵.
- ۴- رضی، احمد و سمیه حاجتی، (۱۳۹۰)، «رمزگشایی از رفتارهای غیرکلامی در داستان روی ماه خداوند را ببوس»، پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، شماره ۵: ۸۷-۶۵.
- ۵- _____، (۱۳۹۰)، «تحلیل نشانه‌های ارتباط غیرکلامی در داستان دو دوست»، مطالعات ادبیات کودک، شماره ۳: ۱۱۴-۹۱.
- ۶- ساعدی، سلما؛ معتمدی، مسعود؛ جمالی، شهرزاد، (۱۴۰۰)، «نگاهی به تمثیل و نماد در دو داستان انتری که لوطی‌اش مرده بود» از صادق چوبک و «حصار و سگ‌های پدرم» از شیرزاد حسن، مجله جستارنامه ادبیات تطبیقی (فارسی - انگلیسی)، شماره ۱۷: ۲۴-۱.
- ۷- قنبری، داوود، (۱۴۰۱)، «تحلیل ساختاری و گفتمانی آغازگرها در فتوت‌نامه نجم‌الدین زرکوب بر اساس نظریه هالیدی»، جستارنامه ادبیات تطبیقی یزد، شماره ۲۱: ۲۴-۱.
- ۸- کرمی، محمدحسین و زارع، میثم، (۱۳۹۸)، «مضامین غنایی در رباعیات عرفی شیرازی»، مجله زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۱: ۲۱۳-۲۳۳.
- ۹- محمودی، علیرضا و غلامرضا عبدی، (۱۳۹۵)، «ارتباطات غیرکلامی در گلستان سعدی»، زبان و ادب فارسی، شماره ۲۳۴: ۱۵۱-۱۳۱.
- ۱۰- موسی‌زاده، طاهره و همکاران، (۱۴۰۲)، «بررسی سطوح کارکردی ارتباطات غیرکلامی «زبان بدن» در غزلیات عرفی شیرازی»، مجله جستارنامه ادبیات تطبیقی یزد، شماره ۲۳: ۸۴-۵۵.

۱۱.۳۰۴۹۵/RPCL.۲۰۲۳.۷۰۱۰۶۳-